رسالت
سال سی‌ونهم ■ شماره ۱۰۸۷۷ ■ روزنامه صبح ایران

اگر مدام دیگران را به خاطر ظاهرشان قضاوت می‌کنید این مطلب را بخوانید

ظاهر معمولی نه جرم است و نه بیماری

قضاوت دیگران بر اساس مشخصات ظاهری امری نکوهیده در ارتباطات اجتماعی به شمار می‌رود اما در سال‌های اخیر نظر دادن درباره بدن و مشخصات ظاهری افراد به موضوعی فراگیر بدل شده؛ یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی که آثار مخرب بسیاری بر زندگی افراد دارد و با توجه به هجوم تبلیغات رسانه‌ای و القائات فرهنگی و فشارهای اجتماعی، شهروندان زیادی به خاطر قد، وزن، رنگ پوست، چاقی و لاغری و حتی معلولیت مورد تمسخر و آزار قرار می‌گیرند.

پژوهش‌های متعددی نشان داده که در سرتاسر جهان ویژگی‌های ظاهری بر سایر شئونات و جنبه‌های زندگی تاثیرگذار است و افرادی که اصطلاحا «زشت» و یا چاق قلمداد می‌شوند، بدون توجه به عملکردشان از روی ظاهر بدن مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

این بی‌عدالتی آگاهانه یا ناآگاهانه نسبت به ظاهر افراد، ناشی از یک باور جمعی اشتباه است. به عنوان نمونه لاغرها نه‌تنها معیار زیبایی به حساب می‌آیند بلکه نماد و معیار سلامت، انرژی، نظافت، هوش، اخلاق و رفاه نیز هستند! نتایج پژوهش‌ها درباره این مسئله که قضاوت ناآگاهانه افراد نسبت به چاقی و لاغری تا کجا پیش می‌رود، نشان می‌دهد که به عنوان مثال، زمانی که فرد لاغری جلوی تلویزیون دراز کشیده همه فکر می‌کنند که او استراحت می‌کند اما وقتی یک فرد چاق جلوی تلویزیون می‌نشیند، دیگران او را آدمی تنبل و بی تحرک تصور می‌کنند!

بین دو احساس شرم از لاغری زیاد و شرم از چاقی و یا دیگر ویژگی‌های ظاهری تفاوت زیادی وجود دارد اما آنها در یک چیز شبیه هستند؛ هر احساس شرم و خجالتی درباره بدن اشتباه و مضر است. این احساسات به شکل گسترده‌ای با احساس تبعیض، حقارت، خودانکاری و آسیب همراه هستند.

آدم‌ها در هر شکل و ظاهری سزاوار احترام هستند

احمد آیینی، جامعه‌شناس در این باره می‌گوید: «وزن تنها شاخص سلامت افراد نیست و چاقی هم یک بیماری و اگیردار نیست. از این تصورات دست بکشید و به این فکر کنید که اندام آدم‌ها به خودشان ربط دارد. وظیفه شما نیست که همیشه درباره این مسئله اظهار نظر کنید. حتی اگر اضافه یا کمبود وزن یک مسئله حیاتی برای سلامت آدم‌ها باشد باز هم نباید نسبت به انسانیت آنها اولویت داشته باشد. آدم‌ها در هر شکل و ظاهری سزاوار احترام هستند. این طرز فکر دو مزیت دارد؛ هم دیگران از شما و قضاوت‌هایتان نمی‌ترسند و هم شما مجبور نیستید دائما خودتان را از نگاه دیگران ارزیابی کنید.»

این جامعه‌شناس تصریح می‌کند: «مهم است که شما آدم‌ها را چگونه می‌بینید و چگونه توصیف می‌کنید؟ دنیا پر از طرح و رنگ است و این چیزی است که آن را جالب توجه کرده. با این حال، همه چیز انسان‌های اطراف شما را ظاهرشان تشکیل نمی‌دهد. اگر موقع توصیف کسی ابتدا از خوشگلی، زشتی یا چاقی و لاغری‌اش حرف می‌زنید، این طرز فکر ایراد دارد. نه اینکه آدم‌ها تفاوتی ندارند اما چرا باید در توصیف یک دوست ابتدا بگویید جذاب و زیبا؟ نباید در ارزیابی دیگران به شکل ظاهرشان اولویت داد. به جای گفتن اینکه فردی چقدر خوش چهره و زیباست باید درباره رفتار خوب و احساسی که ایجاد می‌کند و شخصیتش حرف زد.»

آیینی تاکید می‌کند: «مهم نیست که آدم‌ها به لحاظ ظاهری چه ویژگی هایی داشته باشند تا ارزش احترام، دوستی و انتخاب را داشته باشند. اگر ارزیابی‌مان را از اندازه و شکل آدم‌ها برداریم، آن‌وقت می‌توانیم به مهارت‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و روحی‌شان بیشتر توجه کنیم. معمولا احساس شرم و خجالت در آدم‌های چاق یا لاغر با یک سری جملات کلیشه‌ای و طعنه آمیز نظیر «من فقط نگران سلامتی تو هستم»، «اگر وزن کم یا زیاد کنی خوشگل‌تر می‌شوی» و «چاقی معضل جامعه ماست و نباید نسبت به آن بی توجه بود» مواجه می‌شوند، این اظهارنظرها و توصیه‌های ظاهرا دوستانه نه تنها مفید نیستند، بلکه بسیار آسیب زننده و مخرب هستند. سعی کنید این نوع اظهارنظر و جمله‌های طعنه آمیز را کنار بگذارید و اگر در جمعی هستید که دیگران مشغول چنین توصیه‌هایی هستند با مداخله جلوی ادامه آن را بگیرید. به دیگران هم بگویید که بحث سلامتی مسئله‌ای نیست که با توصیه‌های ظالمانه و در جمعی غیرمتخصص پیگیری شود. همه باید بدانند که این توصیه‌ها دوستانه نیست و تروراندام دیگری است.»

آیینی بیان می‌کند: «بدن نکوهی نوعی نگاه به بدن همراه با تمسخر و تحقیر است. به سخن دیگر افرادی به خاطر بدن‌شان نگشت نماشده و مورد تحقیر و رفتار تبعیض آمیز قرار می‌گیرند. این تحقیر و تبعیض می‌تواند در قالب طنز و تمسخر هم مطرح شود. در هر فرهنگی نوعی «بدن هنجاری» وجود دارد که در نگاه عام یا در فهم مشترک آن جامعه «عادی» به شمار می‌رود و از نظر فرهنگی و درک متوسط جامعه پذیرفته شده است. بنابراین، بدن‌هایی که به نوعی با این بدن هنجاری و پذیرفته از سوی بخش بزرگی از جامعه متفاوت بوده و با آن فاصله داشته باشند می‌توانند به قربانیان تبعیض یا تحقیر تبدیل شوند.»

این جامعه‌شناس همچنین با اشاره به رنگ پوست، نشانه‌های بدنی، خاستگاه قومی افراد، وزن و قد به عنوان رایج‌ترین مواردی که می‌توانند موضوع بدن نکوهی قرار گیرند می‌گوید: «این موضوع به نقص عضو هم مربوط می‌شود. یعنی کسانی که به خاطر داشتن نقص عضو، لکنت زبان و تیک صورت تحقیر و انگشت نما می‌شوند هم به حاشیه رانده می‌شوند و موضوعی کم و بیش جدید است. تا به حال در برخی بزرگی از کشورهای جهان فرهنگ و وجدان جمعی برخورد با بدن شرمی وجود نداشته و این نوعی آگاهی و هوشیاری نوپدید است.»

این جامعه‌شناس درباره معلولیت و معیار و هنجار بودن بدن غیرمعلول نیز عنوان می‌کند: «در نظریه‌های مربوط به افراد دارای نقص عضو گفته می‌شود که تبعیض بدنی و برخورد تبعیض آمیز با افراد دارای نقص عضو پیامد تلقی از بدن است که به موجب آن نوع خاصی از بدن، هنجار و معیار است و هر بدنی که با این الگو جسمی متفاوت باشد دارای عیب و ایراد خوانده می‌شود. این نظریه‌های جدید انتقادی از دهه ۱۹۶۰ در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی و سایر نقاط دنیا به تدریج سبب تغییرات مهمی در نوع نگاه به بدن شده‌اند.»

تحقیر بدن‌های متفاوت از هنجار

سحر عضو تیم ملی یکی از رشته‌های ورزشی است و در سال‌های گذشته توانسته در این رشته موفقیت‌های بزرگی کسب کند. در حالی که متوسط قد زنان ۲۳ ساله کشور ۱۶۱ سانتی‌متر است، سحر حدود ۱۹۰ سانتی‌متر قد دارد؛ امتیازی که در ورزش تخصصی او کمتر نصیب هر کسی می‌شود. اما سحر علاوه بر زندگی حرفه‌ای خود، در جامعه نیز زندگی می‌کند و بارها به خاطر بلندقامت بودن مورد شماتت و حتی تمسخر جامعه قرار گرفته است.

این ورزشکار تیم ملی درباره سختی‌های زندگی با قد بلند می‌گوید: «هرجا که می‌روم مرکز توجه هستم و همه بر می‌گردند و طور خاصی آدم را نگاه می‌کنند. این‌ها به کنار، با حرف‌هایشان هم آدم را آزار می‌دهند. بعضی‌ها که مودب‌ترند می‌گویند «ماشاالله به قدت» و بعضی‌ها هم از کلمات و عباراتی مثل دراز، نردبون، دستت به خدا می‌رسه و اون بالا هوا چطوره استفاده می‌کنند. بعضی‌ها هم آدم را شماتت می‌کنند و می‌گویند «چه خبره، دیگه می‌خوای چیکار کنی؟» انگار که من کار زشتی انجام داده‌ام و باید متوقفش کنم!»

او هم‌چنین می‌گوید: «از نظر روانی این قضاوت‌ها تاثیر زیادی روی فرد می‌گذارد. من وقتی سن و سالم کمتر بود وقتی وارد جمعی می‌شدم کج راه می‌رفتم که قدم کوتاه تر دیده شود. آن موقع از تنها بیرون رفتن وحشت داشتم. مدام استرس این را داشتم که الان یک نفر از کنارم رد می‌شود و یک چیزی می‌گوید.»

تجربه سحر نشان می‌دهد که آزارها حتی به نظر دادن و آزار کلامی ختم نمی‌شود. او به طرد شدن از اجتماع و پایان ناخواسته برخی روابط اجتماعی نیز اشاره می‌کند: «بارها موقع گرفتن عکس گروهی متوجه شدم که بعضی نمی‌خواهند کنار من بایستند. بعضی هم گفته‌اند چون قدت بلند است کنار تو نمی‌ایستیم چون قد ما کوتاه به نظر می‌رسد. از بین دوستان هم همیشه کسانی بوده‌اند که وقتی با هم بیرون رفته‌ایم گفته‌اند نمی‌خواهیم با تو قدم بزنیم چون خیلی احساس قد کوتاه بودن می‌کنیم یا مثلا می‌گویند تو چرا این قدر بلندی؟ بعضی هم نخواسته‌اند دیگر با من یک جا باشند فقط به خاطر همین قد بلند بودنم.»

سحر نیز با اشاره به کمبود اعتماد به نفس خود در گذشته به دلیل نظر دادن‌های مردم نسبت به قدش می‌گوید: «کم کم اعتماد به نفسم را به دست آوردم. اولش به خاطر قدم گفتم بگذار یک ورزشی را شروع کنم. همین هم شد که توانستم وارد تیم ملی شوم. این باعث افتخار برای خودم و خانواده‌ام شد. از طرف دیگر هم سعی کردم که کم کم وارد جامعه شوم و کارهای اجتماعی انجام دهم. مثلا در مدرسه سعی کردم به‌جای گوشه‌گیری، برنامه صبحگاهی اجرا کنم یا فعالیت‌هایی انجام دهم که در دید باشم تا بچه‌ها و معلم‌ها به بودن افرادی مثل من هم عادت کنند. این‌ها تاثیرات خیلی مثبتی روی من داشت تا حدی که الان به کسی اجازه نمی‌دهم که به خودش جرات بدهد که به من درباره قدم حرفی بزند.»

سحر از دوست داشتن و احترام به بدن متفاوت خود می‌گوید: «دوست داشتن خود خیلی موضوع مهمی است. این کار برای من خیلی سخت بود. من به مرور روی خودم کار کردم. الان خوشبختانه اعتماد به نفس دارم، خودم را خیلی دوست دارم و حرف‌های بقیه برایم مهم نیست.»

خودم را دوست دارم

آیدا یک زن جوان ساکن تهران است که از دوران کودکی چاق بوده است. او بارها اقدام به رژیم‌های سخت غذایی کرد اما هر بار به وزن سابق خود بازگشت. آیدا درباره مصائب زندگی اجتماعی افراد چاق می‌گوید: «من از بچگی سوژه بحث‌های خانواده و دوستان بودم. حتی آن‌ها که خودشان هیچ‌وقت چاق نبودند و اصلا در این باره تجربه‌ای نداشتند هم سعی داشتند به من راهکار بدهند که چطور وزن کم کنم.»

این زن جوان ادامه می‌دهد: «این‌ها را باید بگذاریم کنار این که معمولا همه چیز برای آدم‌های سایز کوچک درست شده. مثلا من در مدرسه واقعا در صندلی جا نمی‌شدم و ۸ ساعت نشستن سر کلاس برایم عذاب الیم بود. لباس پیدا کردن را که نگویید و نپرسید. وقتی یکی از لباس‌هایم پاره می‌شد انگار غصه دنیا را روی دلم گذاشته بودند. باید از تحقیر فروشنده که با حالتی پیروزمندانه می‌گفت خانم سایز شما را نداریم تا نگاه‌های معنادار مامانم که دیدی گفتم زیاد نخور، الان لباس به تنت پیدا نمی‌شود، را تحمل می‌کردم.»

آیدا که حالا چند سالی است رژیم گرفتن را کنار گذاشته و بدن خود را آن گونه که هست دوست دارد می‌گوید: «بدن من سالم است و من از این بابت خوشحالم. حتی اگر سالم هم نبود باز هم باید خوشحال می‌بودم. چون این تنی است که من با آن متولد شده‌ام و در تمام این روزها و ماه‌ها و سال‌ها منشأ خوشی من بوده است.»

او ادامه می‌دهد: «هدف اصلی کسانی که بدن تو را قضاوت می‌کنند این است که تو را از خودت متنفر کنند تا سراغ راهی باشی که مورد پسند قرار بگیری. جواب من به این افراد و این طرز تفکر این است که من خودم را دوست دارم.»

آدم‌های لاغر هم مشکلات خودشان را دارند. ترس و شرم از اندام ممکن است گریبان لاغرها را هم بگیرد. لاغرها هم می‌توانند از اندام خودشان ناراحت و متنفر باشند. آنها در آینه خودشان را نگاه می‌کنند و از اینکه زیاد برجسته و فرورفته نیستند ناراضی‌اند. همیشه عده‌ای هستند که به یک مرد یا زن لاغر توصیه کنند که هرطور شده چاق شود و یک پره گوشت اضافه کند و هرسستی و بی حالی و مریضی‌ای را ناشی از لاغری، کم خوراکی و تحرک زیاد بدانند. دیگران به آدم‌های لاغر بیش از اندازه خوراکی تعارف می‌کنند و درباره اینکه «کمی چربی اضافه هم بد نیست» اظهارنظر می‌کنند. از این فراتر، طعنه افرادی است که دائم می‌خواهند نشان‌تان بدهند که بالاخره براثر ازدواج، بارداری و زایمان، افزایش سن یا بیماری چاق خواهید شد و همیشه این قدر لاغر نخواهید بود. آنها این ترس را ایجاد می‌کنند که باید نسبت به بدن‌تان بیشتر از این حساس باشید.

بابک، از دوران نوجوانی به دلیل لاغربودن و داشتن جوش صورت تحت فشارهای بسیاری از سوی جامعه و نزدیکان خود بوده است: «راستش از وقتی که یادم است توسط خانواده و فامیل، همکلاسی و همکار و کلا جامعه به خاطر لاغری مسخره شده‌ام، یا برایم دل سوزانده‌اند. من از ۱۰ سالگی انتخاب کردم تا گیاه‌خوار باشم و گوشت و مرغ و ماهی لب نمی‌زنم. دیگران از همین موضوع به اصطلاح پیراهن عثمان درست می‌کنند و به تصور خودشان سندی برادعایشان می‌آورند که: «همینه که اینقدر خاله ریزه و ضعیف موندی دیگه»

بنابر تجربیات بابک در مهمانی‌ها و در هر صحبت خانوادگی وقتی افراد موضوعی برای صحبت کردن ندارند شروع به بحث درباره اندام او می‌کنند و با ترحم به او می‌گویند: «با این جثه ضعیف کی به توزن می‌دهد؟»

او هم‌چنین با اشاره به قضاوت‌ها و نسخه پیچیدن‌های جامعه نسبت به جوش‌های صورت خود در دوران نوجوانی و جوانی نیز می‌گوید: «من ۲۶ سال دارم و تا همین سه‌سال پیش پوست صورتم پر از آکنه بود. تمام این سال‌ها از نوجوانی تا دو سال پیش گران‌ترین کرم پودرها را استفاده می‌کردم برای پوشاندن آن‌ها و برای بستن دهان مردمی که هرکس یک چیزی را تجویز می‌کرد؛ از زالو گرفته تا ترکیب فضله موش با عرق کاسنی و آبلیمو، تا ارجاع به فلان پزشک و لیزر درمانی. البته نفس استفاده از کرم پودر برای مردان فارغ از اینکه پوست صافی داشته باشی یا مثل من صرفا برای پوشاندن جوش‌ها استفاده کنی، در جامعه ما صورت خوشی ندارد و توسط مردم تقبیح می‌شود!»

بابک که حالا چند سالی است به گفته خودش «با جای آکنه‌ها و ردآن‌ها بر پوست خود سر دوستی پیدا کرده» می‌گوید: «دیگر نه کرم پودر استفاده می‌کنم نه حتی حالا که پوستم مولد خود آکنه نیست به فکر لیزر هستم. تا ۲۰ سالگی تقریبا همیشه با روی گشاده و متانت پاسخ می‌دادم و صادقانه می‌گفتم که به رغم این لاغری زیادم، مرتبا چک‌آپ کامل می‌شوم و تمام بدنم در سلامت کامل است. ترحم‌ها در مورد پوستم را می‌پذیرفتم و تشکر می‌کردم که راهکارنشان می‌دهند. اما از یک جایی به بعد شدم یک آدم رادیکال و حاضرجواب که پاسخ‌هایم به مذاق‌شان خوش نمی‌آید.»

او ادامه می‌دهد: «جواب من دیگر همیشه این است: بدن من مال خودم است. یا مرسی که حسن نیت داری ظاهرا، اما من از تو نظرت را نخواستم و سوخت و ساز بدن من به شما ارتباطی ندارد.»

چاره کار چیست؟

جامعه‌شناسان معتقدند که «نگاه به بدن و بازنمایی بدن یک یادگیری است و ریشه فرهنگی دارد و برای مبارزه با برخوردهای تبعیض‌یا تحقیرآمیز نقش رسانه‌ها و سیستم آموزشی بسیار اساسی و مهم است.»

آن گونه که جامعه‌شناسان می‌گویند، «افراد هیچ جامعه‌ای با این فرهنگ متولد نمی‌شوند. بدن نکوه نبودن یک یادگیری است که در روندهای جامعه‌پذیری از کودکی، در نظام آموزشی و در همه فضاهای فرهنگی جامعه باید به آن پرداخته شود. اگر در برخی کشورها فرهنگ ضعیف است و افراد به خاطر رنگ پوست و ظاهر مورد داوری منفی، تحقیر یا حتی تمسخر قرار می‌گیرند و انگشت نما می‌شوند، به خاطر کم کاری رسانه‌ها، نهادهای اصلی جامعه‌پذیری و روشنفکران و نخبگان است.»

جامعه‌شناسان خاطرنشان می‌کنند که «در فرهنگ سنتی و زبان کوچه و بازار چیزهای زیادی وجود دارد که به این تبعیض، داوری منفی و نگاه تبعیض آمیز به نوعی مشروعیت می‌بخشند. به سخن دیگر، جامعه ما نیاز مند بازگشت سنجش گرانه به نوع نگاه و داوری خود نسبت به افراد با بدن و رنگ پوست متفاوت است. یکی دیگر از راه‌حل‌های اساسی مقابله با این مسئله، بازنمایی افرادی است که بدن‌هایی متفاوت از «هنجار» جامعه دارند و «قابل قبول» یا «بی‌نقص» نیستند. برای مقابله با بدن نکوهی باید در تصاویر، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی فقط افرادی دیده نشوند که دارای بدن هنجاری، قابل قبول یا بی نقص هستند. این موضوع می‌تواند به ادغام بهتر این گروه در جامعه و کاهش نگاه تبعیض آمیز علیه آن‌ها منجر شود. همین روایت درباره دنیای سیاست و عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی نیز صدق می‌کند که باید بدن نکوهی را به صورت امر منفی و غیر قابل پذیرش و ضد اخلاقی معرفی کنند.»

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک خوزستان
آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
ثبت اسناد و املاک شهرستان دزفول
بر اساس ماده۳ قانون مرقوم هیئت رسیدگی به تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شهرستان دزفول تقاضای افراد مشروحه ذیل مربوط به بخش یک الی چهار دزفول را رسیدگی نموده و مالکیت مفروزه متقاضیان را که منجر به صدور رای گردیده است به شرح ذیل آگهی می نماید.
املاک واقع دربخش یک دزفول
پلاک ۴۰۶۷و ۴۰۵۰ اعظم رضا عباسی فرزند علیرضا نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۴/۳۰متر مربع واقع در دزفول کوچه استخر منشعبه از خیابان امام خمینی شمالی مع الواسطه از ابوالفتح و محمد احمدی سیاهپوش مالک رسمی
پلاک ۵۷۴۷ هاجر سلطان گیودزفولی فرزند ابوالقاسم نسبت ۵/۵سهم مشاع از ۲۴ سهم ششدانگ یک قطعه زمین محصور و ساختمان واقع در آن به مساحت ۲۹۸/۱۰متر مربع واقع دردزفول خیابان امام خمینی شمالی کوچه منشعبه از خیابان امام خمینی شمالی معروف به کوچه حکیمی (محله فولادیان) مع الواسطه از سلطان خانم دالاتی و احمد ایزد پناه مالک رسمی
پلاک ۵۷۴۷ کبری گیو دزفولی فرزند ابوالقاسم نسبت به ۵/۵ سهم مشاع از ۲۴ سهم ششدانگ یک قطعه زمین محصور و ساختمان واقع در آن به مساحت ۲۹۸/۱۰متر مربع واقع در دزفول خیابان امام خمینی شمالی کوچه منشعبه از خیابان امام خمینی شمالی معروف به کوچه حکیمی (محله فولادیان) مع الواسطه از سلطان خانم دالاتی و احمد ایزد پناه مالک رسمی
املاک واقع در بخش دو دزفول
پلاک ۷۷۲ مسعود شکوری نیا فرزند رجب نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۸۴/۲۰متر مربع واقع دردزفول کوچه آگهی زارع منشعبه از خیابان منتظری مع الواسطه ازعبدالحسین کرمعلی پور مالک رسمی
املاک واقع در بخش سه دزفول
پلاک ۱۲۶ هرمز دال وند فرزند علی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان در حال ساخت به مساحت ۱۹۰/۲۵متر مربع واقع در دزفول خیابان صدف بین خیابان احسان یک و بلوار شهید آباد (شهدا)مع الواسطه از کرمعلی تقویان مالک رسمی

پلاک ۱۴۳ مینا کاظمی نیا فرزند سام نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۰/۵۰متر مربع واقع در دزفول خیابان نعیم بین خیابان های امام خمینی (ره) و بیفان مع الواسطه از مجید حسینی دزفولی مالک رسمی
پلاک ۱۶۱ رمضان محمدی نصرفرزند محمد حسین نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری فضای سبز به مساحت ۲۱۶متر مربع واقع در دزفول خیابان جنت منشعبه از خیابان بیفان مع الواسطه از مجید حسینی دزفولی مالک رسمی
پلاک ۳۵۱ مرضیه پور صباحیان فرزند یوسفعلی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۸/۳۰ متر مربع واقع دردزفول خیابان میلاد نبش خیابان حضرت رسول (ص) مع الواسطه از کاظم اکبر حاجی نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱ نعمت اله اسفنده فرزند ماشاله نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۸/۳۰ متر مربع واقع در دزفول خیابان میلاد نبش خیابان حضرت رسول (ص) مع الواسطه از کاظم اکبر حاجی نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱محمد خرمی نسب فرزند رحمن نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع در دزفول خیابان کارگر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱ رحمن خرمی نسب فرزند غلامحسین نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع در دزفول خیابان کارگر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱ زهره خرمی نسب فرزند رحمن نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع درزفول خیابان کارگر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱ مریم خرمی نسب فرزند رحمن نسبت به یکدانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع دردزفول خیابان کارگربر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱منصورخرمی نسب فرزند رحمن نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع در دزفول خیابان کارگر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی
پلاک ۳۵۱/۱ شهره خرمی نسب فرزند رحمن نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۹۰ متر مربع واقع در دزفول خیابان کارگر بین خیابان های حضرت رسول (ص) و هجرت مع الواسطه از مرتضی حاجی اکبر نظر مالک رسمی

پلاک ۳۶۰رحمن ابراهیمی تبار فرزند خدامراد نسبت به قسمتی از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲متر مربع واقع دردزفول خیابان خلیل محراب بین خیابان های حضرت رسول (ص)و آفرینش مع الواسطه از ناصر قشم مالک رسمی
پلاک ۵۵۲حبیب اله خیاط خرم آبادی فرزند کریم نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۸/۵۰ متر مربع واقع دردزفول خیابان فردوسی بین خیابان فیض کاشانی و محتشم کاشانی مع الواسطه از عبدالحسین جلالی مالک رسمی
پلاک ۱۱۳۶رسول علیمرادی فرزند علی نسبت به ششدانگ یکاب ساختمان با کاربری فضای سبز به مساحت ۱۵۰متر مربع واقع در دزفول خیابان رسالت ۳بین خیابان رسالت ۶و ۷ مع الواسطه از علی محمد افتخار مالک رسمی
پلاک ۱۲۹۱ حیات اله نصیری فرزند قلی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان در حال ساخت با کاربری فضای سبز به مساحت ۱۹۲ متر مربع واقع دردزفول خیابان دارالمومنین منشعبه ازبلوار محمدی زاده مع الواسطه از علی محمد افتخار مالک رسمی
پلاک ۱۲۹۶ محمد خسرو آبادی فرزند علی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری فضای سبز به مساحت ۲۸۰متر مربع واقع در دزفول خیابان نو بهار ۷ منشعبه از خیابان ۲۰متری مع الواسطه از علی گلستان باغ مالک رسمی
پلاک ۱۳۳۸امیر عرب زاده محمدی فرزند صفر علی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۰۹/۲۰متر مربع واقع در دزفول خیابان شهید مهدویان مع الواسطه از عبدالحسین صنیعی مالک رسمی
پلاک ۱۴۱۴ حسین بادمی فرزند عباس نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۶/۰۵متر مربع واقع در دزفول خیابان فجر بین آفرینش و حضرت رسول (ص) کوچه بن بست مع الواسطه از قربان خیری نژاد مالک رسمی
پلاک ۱۴۲۹/۶۴ مصطفی چینی پرداز فرزند میرزا نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۳/۱۰متر مربع واقع در دزفول خیابان هجرت بین خیابان سعیدی و منتظری نبش کوچه بن بست مع الواسطه از میرزا چینی پرداز مالک رسمی
پلاک ۱۴۳۱ احمد جعفری فرزند باقر نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۱/۹۵ متر مربع واقع دردزفول خیابان حافظ تقاطع خیابان نبوت مع الواسطه از سید اسماعیل نبوی وسید عبدالرحمن طبیب غفاری مالک رسمی
پلاک ۱۴۳۸یاشار رضایی فرزند حسین نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۶/۴۴ متر مربع واقع دردزفول خیابان ابوریحان بین نبوت و ایران کوچه گلها مع الواسطه از فضلعلی علی زاده مالک رسمی
پلاک ۱۴۷۵مرتضی دیبائی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان در حال ساخت با کاربری فضای سبز به مساحت ۲۵۶/۸۵متر مربع واقع در دزفول انتهای کندرو شریعتی نبش نگار مع الواسطه از عبدالحسین بیچاره مسگرمالک رسمی

پلاک ۱۴۹۲فضلعلی عیسوند رشیدی فرزند میر محمد در ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری پارکینگ به مساحت ۱۱۹/۱۰متر مربع واقع در دزفول خیابان عقیق یک منشعبه از خیابان عقیق اصلی مع الواسطه از سید تاج الدین معصوم زاده مالک رسمی
پلاک ۱۵۳۸/۲عبدالرضا نمازی فر فرزند میرزا نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۳۳/۲۵متر مربع واقع در دزفول خیابان حمزه بین خیابانهای ابوریحان و بلوار مقاومت مع الواسطه از سید مرتضی صدر السادات مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱ رویا ناهیدی فرزند محمد کاظم در یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان با کاربری باغات به مساحت ۴۲۲ متر مربع واقع دردزفول خیابان امام موسی صدر مع الواسطه از عبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱محمد باقر ناهیدی فرزند محمد کاظم درسه دانگ مشاع ازششدانگ یک باب ساختمان با کاربری باغات به مساحت ۴۲۲متر مربع واقع در دزفول خیابان امام موسی صدر مع الواسطه از عبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱ لاله ناهیدی فرزند محمد کاظم در یک ونیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری باغات به مساحت ۴۲۲متر مربع واقع در دزفول خیابان امام موسی صدر مع الواسطهاز عبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱هاجر ملائکه زاده فرزند سید باقر نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری انبار به مساحت ۴۵۰متر مربع واقع دردزفول خیابان نجار ۷ نبش خیابان ۳۰متری نجاران ۱مع الواسطه از علیداد نصیر باغبان مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱ عزت اله عبداله هی فرزند نجفقلی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری صنایع به مساحت ۶۰/۳۰متر مربع واقع دردزفول کوی مدرس کوچه بن بست ۳۴ منشعبه از خیابان مدرس ۲۷ مع الواسطه ازعبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱ عبدالحمید صداقت فر فرزند عبدالرضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعیبه مساحت ۶۳۹۶۳متر مربع واقع دردزفول جاده خاکی منشعبه از جاده دزفول شوشتر جنب پل غلامرضا خان مع الواسطه از عبدالمحمد سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۱میر حسین الیاسی فرزند حسین نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۱/۶۰متر مربع واقع در دزفول کوی مدرس خیابان ۵ نبش خیابان ۱۲ مدرس مع الواسطه از عبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۳ حسین جعفری فرزند عباس نسبت به ششدانگ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۱۳۵۱متر مربع واقع در دزفول جاده بطرفه بنوار شامی بعد از اردوگاه اشرفی اصفهانی مع الواسطه از عبدالرضا سعادتی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۴حسین گلشن زاده فرزند کریم نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری باغات به مساحت ۱۵۶/۵۰ متر مربع واقع دردزفول کوی سعدی خیابان شهید انباردار مع الواسطه از علیرضا پرور زاده مالک رسمی

پلاک ۱۵۴۴ لیلا زرعی فرزند احمد نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان با کاربری باغات به مساحت ۱۵۶/۵۰ متر مربع واقع دردزفول کوی سعدی خیابان شهید انبار دار مع الواسطه از علیرضا پرور زاده مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵ حفیظ اله بهرامی فرزند برج علی نسبت به ششدانگ ساختمان به مساحت ۱۱۰/۶۹متر مربع واقع دردزفول کوی پیام نور خیابان ده متری مع الواسطه از محمد طهماسبی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵ جهانگیر بهرامی فرزند عباس نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۰/۸۰متر مربع واقع در دزفول کوی پیام نور خیابان نور یک نبش خیابان نور ۶ مع الواسطه از شکراله خواجه گیوه چی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵یونس ارتند فرزند علی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۴/۶۵ متر مربع واقع در دزفول کوی پیام نور خیابان ۱۰ متری مع الواسطه از محمد طهماسبی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵ علی شرفی دوست فرزند رستم نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۹۶/۱۶ مترمربع واقع دردزفول روبه روی دانشگاه پیام نور کوی پیام نور جاده خاکی مع الواسطه از محمد خان طهماسبی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵ حمید ارتند فرزند سبز علی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۰/۹۰متر مربع واقع دردزفول کوی پیام نور خیابان ۱۰متری مع الواسطه از محمد طهماسبی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۵آقا خون بهمنی فرزند سوخته رونسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۹/۷۰متر مربع واقع دردزفول کوی پیام نور کوچه بن بست منشعب از خیابان نور ۵ مع الواسطه از شکراله خواجه گیوه چی مالک رسمی
پلاک ۱۵۴۸ مهناز نادی فرزند محمد حسین نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۹/۲۰متر مربع واقع دردزفول کوچه بن بست منشعب از خیابان سید صبور مع الواسطه از محمد جواد غفوری مالک رسمی
پلاک ۱۵۴